

فصلنامه‌ی علمی آیین علوی

مقاله پژوهشی، شماره 13، بهار 1403، صفحات 115 الی 132

تاریخ دریافت: 1402/12/07؛ تاریخ داوری: 1403/01/27

مبانی و اهداف تربیت در منظومه فکری امام علی (ع)

سید زهیر مسیلمینی *

چکیده

تربیت و تزکیه همواره یکی از مهمترین اهداف پیامبران الهی بوده است، زیرا انسان را به مراتب کمال نهایی که خداوند متعال برای انسان در نظر گرفته می‌رساند. این عنصر اخلاقی و اجتماعی در سیره پیامبر اسلام (ص) و ائمه اهل بیت (ع) و به‌ویژه امام علی (ع) از اهمیت بالایی برخوردار بوده و دارای عمق و جامعیت و کاربرد عملی و مبتنی بر اصول و اهداف منطبق با فطرت الهی است. از اینرو نوشتار حاضر در پی شناسایی مبانی و اهداف تربیتی امام علی (ع) با تکیه بر بیانات ایشان در نهج البلاغه و بهره‌گیری از اندیشه تربیتی امام علی (ع) به روش تحلیلی و توصیفی است. نتیجه پژوهش حاضر با استناد به سخنان علی (ع) حاکی از این است که انسان موجودی ذوابعاد است که باید به همراهی علم با عمل، تفکر و تدبیر، ذکر و یاد خداوند سوق داده شود. همچنین با توجه به سخنان آن حضرت (ع) اهداف تربیت عبارتند از: دعوت به عدالت در همه اشکال آن، رعایت تقوای الهی، انتقال میراث فرهنگی، تغییر و تحول انسان، کسب رضایت خداوند متعال، انذار از



* . استادیار گروه کلام اسلامی جامعه‌المصطفی العالمیه ؛ zohir_mesilini@miu.ac.ir

افتادن در فتنه، انذار از پیروی از هوی و هوس و امید طولانی. این مؤلفه‌ها روی هم رفته منظومه فکری و عملیاتی حضرت (ع) در خصوص تربیت را به تصویر می‌کشد.

کلیدواژگان: مبانی، اهداف، تربیت، تزکیه، نهج البلاغه، امام علی (ع)

مقدمه

مسئله تربیت‌پذیری انسان یکی از اصلی‌ترین و بدیهی‌ترین مسائل مکاتب تربیتی است. انسان با برخورداری از عقل و تدبیر و عواطف انسانی، تربیت‌پذیرتر از دیگر موجودات نظام آفرینش است؛ چنانکه امام علی (ع) می‌فرماید: «و لا تكونن ممن لا تتفعه العظه إلا إذا بالغت فی إیلامه فان العاقل یعط بالآداب، والبهايم لا تعط إلا بالضرب»؛ از کسانی مباش که پند و اندرز به آنها سودی نمی‌بخشد مگر آنکه سخت در توبیخ آنها مبالغه شود، زیرا انسان‌های عاقل با برخورداری از عقل با اندرز و آداب پند بپذیرند، اما چهارپایان با زدن. از منظر قرآن کریم نیز هدف اصلی همه انبیاء الهی، تحقق این آرمان ارزنده است. به همین جهت در آیات و روایات و سیر عملی پیامبر (ص) و ائمه (ع) سخت بر این امر تأکید شده است.

نوشتار حاضر با مروری بر آموزه‌های تربیتی امام علی (ع) در نهج البلاغه ضمن بیان جایگاه تربیت از دیدگاه امیرالمؤمنین (ع)، به تبیین اهداف و مبانی تربیت در منظومه فکری ایشان می‌پردازد. این نوشتار مبتنی بر این فرضیه است که امام علی (ع) دارای یک منظومه تربیتی برگرفته از قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم (ص) است که از مهمترین ویژگی‌های آن جامعیت، عمق و جنبه کاربرد عملی است. پژوهش حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام گرفته تا به آشکار شدن ابعاد تربیتی در اندیشه امام علی (ع) کمک کند و بُعد تربیتی ایشان را که نسبت به دیگر ابعاد سیاسی و اجتماعی حضرت (ع) کمتر مورد توجه و مطالعه قرار گرفته بررسی نماید.



مفهوم‌شناسی

1. تعریف مبانی در لغت

واژه «مبانی» جمع «مبنا» به معنای بنا و عمارت می‌باشد. در قرآن کریم فعل «بنا» به همین معنا به کار رفته است: «و بُنينا فَوْقَكُمْ سَبْعاً شَداداً» (نبأ/ 12). مبنا در لغت به معنای بنیان و اساس و شالوده است (معین، 1381: ذیل واژه مبنا) و در قرآن به معنای بنا و ساختمان به کار رفته است: «لایزال بنیانهم الذی بنوا ریبه فی قلوبهم» (توبه/ 110).

تعریف مبانی در اصطلاح

«مبانی» در اصطلاح نیز به معنای لغویش به کار رفته است، بنابراین در تعریف اصطلاحی آن می‌توان گفت: «مبانی عبارتند از گزاره‌های بنیادین و زیرساختی که هم جواز و حقانیت یک دانش یا موضوع علمی را اثبات می‌کنند و هم پس‌زمینه‌های ذهنی شخص عالم و متخصص در آن دانش یا موضوع علمی را ثابت می‌کنند» (دهکردی، 1394: 110).

2. تعریف تربیت در لغت

لغت‌شناسان مفهوم «تربیت» را به معنای زیاد شدن و رشد و نمو کردن دانسته‌اند؛ چنانکه ابن منظور در *لسان العرب* می‌نویسد: «رَبَا الشَّيْءَ يَرْبُو رَبْواً وَرَبَاءً» به معنی زاد و نمو است (ابن منظور، 1375 ق: 14 / 304).

تعریف تربیت در اصطلاح

برای «تربیت» در اصطلاح تعاریف بسیاری ذکر شده که اکثر آنها تقریباً مشابه همدند و از معنای لغوی گرفته شده‌اند؛ بعنوان مثال، غزالی در تعریف تربیت می‌گوید: «التربیه تشبه فعل الفلاح الذی یقلع الشوک، و یخرج النباتات الأجنبيه من بین الزرع، لیحسن نباته و یکمل ربعه» (غزالی، 1431 ق: 37). برخی دیگر تربیت را چنین تعریف کرده‌اند: «إعطاء الجسم و الروح کل ما یمکن من الجمال، و کل ما یمکن من الکمال» (کامل، 1386: 176-177).



آنچه در اینجا در تعریف تربیت مورد توجه است، مفهوم تربیت در کلام امیرالمؤمنین (ع) است که در واقع مفهوم تربیت را از دیدگاه اسلام تبیین می‌کند. امام علی (ع) معتقد است که انسان هدف خلقت هستی است و هدف خلقت او رسیدن به کمال نهایی است که خداوند متعال برایش اراده کرده و به تبع آن او را جانشین خود بر روی زمین قرار داده است. برای رسیدن به این کمال، باید به قول و عمل و نیات شایسته خود پایبند باشد، چنانکه خداوند متعال به آدم در هنگام هبوط از بهشت فرموده است: «قلنا اهبطوا منها جميعا فإما يأتينكم مني هدى فمن تبع هداى فلا خوفٌ عليهم ولا هم يحزنون* والذين كفروا و كذبوا بآياتنا أولئك أصحاب النار هم فيها خالدون» (بقره/ 38-39). ضعف انسان در برابر وسوسه‌های دنیوی، تربیت بر صراط مستقیمی که خداوند متعال ترسیم کرده را واجب می‌کند تا بتواند در برابر گمراهی و فساد مقاومت کند و موانعی که او را از آن باز می‌دارد، از سر راه بردارد. چنین تربیتی تنها مبتنی بر مبانی نظری نیست که ارتباطی با واقعیت ندارد، بلکه سلوک عملی را در پیش می‌گیرد تا آثار خود را در روح آدمی به جا گذارد و ثمرات آن را در جامعه نیز متجلی سازد.

مبانی تربیت در اندیشه امام علی (ع)

امام علی (ع) معتقد است که فراوانی و کثرت علوم موجب غنا و جبران کار و هدایت و حسن خلق نیست و علم را برای خود علم یا چیزی دیگری نمی‌خواهد، بلکه علم را برای تغییر و تحول و رشد می‌خواهد، لذا به کمیت بدون کیفیت و کیفیت بدون اثر قائل نیست. ایشان معتقد است که انسان غایت نهایی آفرینش است و خداوند به خاطر انسان همه موجودات عالم را آفریده است و می‌فرماید: «فالله سبحانه قبل أن يخلق الإنسان خلق الكون و رتبة أحسن ترتيب و نظمه أجمل تنظيم و مهد الأرض و أتم مرافقها على أكمل وجه، فخلق فيها الهواء الطلق و أجرى فيها العيون و الأنهار، و أعد أنواع الأطعمة و الأشربة» (ادیب، 1967م: 32)؛ خداوند سبحان پیش از آنکه انسان را بیافریند، جهان را خلق کرد و به بهترین نحو و به زیباترین



ترتیب سامان داد و زمین را به بهترین وجه هموار نمود ... بر اساس این عبارت، امام (ع) نسل بشر را به گونه‌ای خطاب می‌کند که بیدار سازد که زندگی آزاد محدودیتی ندارد و شایسته نیست انسان در گهواره دیروز بماند و سعی در تغییر و پیشرفت خود نکند. امام (ع) به انقلاب و تغییر در جهت اصلاح و رستگاری معتقد بود و همواره چشم به توسعه و رشد داشت (همان، 32-34). از اینرو می‌توان گفت امام علی (ع) مفهوم تربیت را در اعتقاد به اصل عاقلانه اندیشیدن و گام برداشتن و ساختن انسان براساس آنچه در تعالیم قرآن و سنت پیامبر (ص) و تنظیم رابطه مخلوق با خالق و رابطه انسان با خود و جامعه‌اش خلاصه می‌کند. به این ترتیب رویکرد تربیتی امام علی (ع) و نگاهش به انسان، بر مبانی استوار است که از برجسته‌ترین آنها عبارتند از:

1. انسان موجودی ذوابعد

انسان موجودی است که در خود جمع تضادها را دارد؛ او بین قوت و ضعف، عقل و شهوت جمع می‌کند. با عقل و فاعلیت خود قوی است، اما در عین حال ضعیف است، زیرا «حشره او را می‌آزارد و آب در گلو او را می‌کشد و با عرق خود بوی تعفن می‌دهد» (ابن ابی الحدید، 1967م: 284/19). در اعماق روح او نیروهای خیر و شر به مبارزه می‌پردازند و در کنار عواطف، هوی و هوس و غرایز، عقل و فطرت را دارد و زندگی‌اش در اثر تضاد روحی و عاطفی گرفتار حالات متناقضی می‌شود. اگر ذهن خود را رهبر و مدیر و متفکر رفتار و کردار خود قرار دهد، می‌تواند به کمالاتی برسد که شایسته اوست و اگر غرایز حیوانی او را کنترل کند و بر وی مسلط گردد به درجه حیوانیت نزول می‌کند. امام علی (ع) می‌فرماید: «عقل رهبر لشکر الرحمن است و شهوت، پیشوای لشکر شیطان، و جان به‌سوی یکدیگر کشیده می‌شود، هر یک از آنها پیروز شد، نفس در حیز آن قرار می‌گیرد (همان، 164/19). یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های رویکرد تربیتی در اندیشه امام (ع)، لزوم تقویت قوای عقلی و ایجاد تعادل بین عواطف و غرایز و دادن حق کمال به هر یک از آنهاست.



امیرالمؤمنین (ع) به این مزیت تربیتی اشاره کرده و می‌فرماید: «به رگ دل انسان، پاره گوشتی آویخته که از شگفت‌ترین چیزهاست و آن قلب اوست که در آن مایه‌هایی از حکمت است و مایه‌هایی ضد آن و خلاف آن. هرگاه امیدواری به او روی آورد، آزمندی خوارش می‌سازد و اگر آزمندی به او روی نهد، حرص تباهش کند و اگر نومییدی بر آن دست یابد، تأسف او را بکشد و اگر خشم بر او مسلط شود، کینه‌توزیش شدت گیرد و اگر خشنودی و رضا سبب سعادتش شود، خویشتن‌داریش را از دست بدهد و اگر وحشت گریبانش را بگیرد، حذر از کار به خود مشغولش دارد و اگر امن و آسایش نصیبش شود، غرور و غفلتش برآید. اگر مالی بدستش افتد، بی‌نیازی به سرکشیش وادارد. اگر مصیبتی به او رسد، بیتابی رسوایش گرداند و اگر به فقر دچار آید، به بلا افتد، اگر گرسنگی او را بیازارد، ناتوانی از پایش در اندازد. اگر در سیری افراط کند، پُری شکم آزارش دهد. اگر در کاری کوتاه آید، زیان اوست و اگر از حد گذراند، مایه فسادش باشد (صبحی صالح، 2004 ق: حکمت 108).

بنابراین تربیت دارای ویژگی منحصر به فردی است که اگر انسان رویکرد تربیتی صحیحی را دنبال کند که با اصول و قواعد تربیت فطری او تطبیق داشته باشد، در تطهیر و تبدیل انسان به عالم فرشتگان یا بهتر از آن نقش مهمی ایفا می‌کند و در صورتی که رویکرد تربیتی مبتنی بر اصول و قواعد صحیح تربیتی و منطبق با غریزه انسان را دنبال نکند، جایگاهی پایین‌تر از چهارپایان و حیوانات پیدا می‌کند. این وضعیت انسان را می‌توان به یک بوم سفید نقاشی تشبیه کرد که خداوند متعال تمام ابزار طراحی و نقاشی بر روی آن را در اختیار او قرار داده تا هر تصویری را که می‌خواهد در زندگی ابدیش نقش داشته باشد ترسیم نماید، چه در بهشت و صلح چه در جهنم و شکنجه. رستگار کسی است که بتواند خود را پاک کند، همانطور که حق تعالی می‌فرماید: «قد افلح من زکاه و قد خاب من دساها» (شمس / 9). انسان قادر به انجام نیکی و بدی است و نوع تربیتی که دریافت



می‌کند، آن چیزی است که او را به سوی خیر یا شر می‌کشاند. امام علی (ع) الگویی ارائه داده که اگر از آن پیروی شود می‌توان بر خواسته‌های نفس غلبه کرد و همه چیز به نفع شخص نیکوکار تمام شود.

امیرالمؤمنین (ع) در وصیت خود به شریح بن هانی، هنگامی که او را با مقدمه لشکر به شام فرستاد، فرمود: «در هر صبح و شام از خدای بترس و نفس خود را از دنیای فریبنده برحذر دار و در هیچ حال امینش مشمار و بدان که اگر نفس خویش را از بسیاری از آنچه دوست می‌داری، به سبب آنچه ناخوش می‌داری، باز نداری، هوا و هوس تو را به راه‌هایی می‌کشاند که زیان‌های فراوان در انتظارت خواهد بود. پس همواره زمام نفس خویش فرو گیر و راه خطا بر او بر بند و چون به خشم آمدی، مقهورش ساز و سرش را فرو کوب و خردش نمای» (ابن ابی الحدید، 1967م: 16/ وصیة رقم 56).

2. همراهی علم با عمل

همراهی علم با عمل یکی از مبانی برجسته در رویکرد تربیتی امام علی (ع) است که برگرفته از قرآن کریم است که می‌فرماید: «الذین آمنوا وعملوا الصالحات» (الکهف/107). در واقع صرف داشتن علم و دانش بدون همراهی آن با عمل ارزشی ندارد، بلکه گاه بلا‌ی جان صاحب آن می‌شود و نتیجه برعکس می‌دهد، حتی ممکن است او را به اوصاف رذیله‌ای همچون تکبر و ریا و ... مبتلا گرداند. عمل نیز بدون علم و آگاهی چندان مفید نیست؛ چنانکه امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «خیر القول ما نفع، و اعلم أنه لاخیر فی علم لاینفع»؛ بهترین گفتار آن است که منفعت داشته باشد و بدانید هیچ خیری در علم نیست که سودی نداشته باشد (ابن ابی الحدید، 1967م: 16/ 64). همچنین می‌فرماید: «أوضع العلم ما وقف علی اللسان، و ارفعه ما ظهر فی الجوارح و الأركان» (همان، 18/ 245). پست‌ترین علم، علمی است در حد لقلقه زبان می‌ماند و رفیع‌ترین علم، علمی است که در اعضاء و جوارح بدن آشکار می‌شود. بنابراین از دیدگاه امام علی (ع) کثرت و فراوانی



علوم نظری به خودی خود اهمیتی ندارند، بلکه آنچه حایز اهمیت است علمی است که همراه با عمل باشد؛ از اینرو در حکمت 266 نهج البلاغه می‌فرماید: «لا تجعلوا علمکم جهلاً و یقینکم شکاً، إذا علمتم فاعملوا و إذا تیقنتم فأقدموا»؛ علم خود را به نادانی تبدیل نکنید و یقین خود را به شک مبدل نسازید، اگر می‌دانید، پس عمل کنید و اگر یقین دارید، پس اقدام کنید (همان، 164/19).

3. تفکر و تدبیر

تفکر و تدبیر از آنجایی که یکی از اجزای اصلی نظام شناختی و تربیتی انسان و مقدمه و محرک او به سوی انجام کار نیک است در رویکرد تربیتی امام علی (ع) یک ضرورت به‌شمار می‌رود. تفکر و تدبیر در امور به انسان توانایی رشد اندیشه و گستره دید و رهایی از جهل و رکود و تقلید و تأمل در عواقب و پیامدهای امور را می‌دهد. امیرالمؤمنین (ع) پیرو قرآن کریم و رسول اکرم (ص) همواره همگان را به تفکر و تدبیر توصیه می‌نمود، زیرا اندیشه‌ها را از انواع پلیدی پاک می‌کند و هوشیاری و بصیرت به انسان می‌بخشد و از گرفتاری در گمراهی و شبهه محافظت می‌نماید.

امام علی (ع) در خطبه‌های گوناگون نهج البلاغه آدمی را به تفکر و تعقل در موجودات اطراف خود دعوت کرده تا از طریق آن به عظمت خداوند پی ببرد؛ چنانکه در خطبه اول هنگامی که از مورچه و طاووس مثال می‌زند از انسان می‌خواهد در آن تفکر کند: «نفخ فیها من روحه فتملت انسانا ذا اذهان یجیلها، و فکر یتصرف بها، و جوارح یختمها و أدوات یقلبها، و معرفه یفرق بها بین الحق و الباطل و الأذواق و المشام و الالوان و الاجناس معجوناً بطینه الالوان المختلفه و الاشباه المؤتلفه...». در این عبارات امام (ع) از مخاطب خود می‌خواهد که به‌طور مستقیم در پدیده‌ها بنگرد و آنها را مشاهده کند و در آنها تفکر نماید تا خالق خود را بهتر بشناسد و به عظمت و بزرگی او اقرار نماید. در تعلیم و تربیت نیز هدف همین است که



متعلم از طریق تفکر و تدبر در پدیده‌ها با خالق خود ارتباط برقرار کند و امور خود را بر مبنای رضایتمندی او شکل دهد.

4. ذکر و یاد خداوند

یکی از مهمترین مبانی تربیتی در منظومه تربیتی امیرالمومنین (ع)، ذکر و یاد خداوند متعال در هر شرایط و زمان و مکانی است؛ چرا که ذکر خدا، زمینه‌ساز آثار تربیتی، اخلاقی و اجتماعی فراوانی است. قرآن کریم نیز نماز و عبادت را یکی از مصادیق ذکر و یاد خدا می‌داند و به تأثیر تربیتی و معنوی عبادت و نماز اشاره کرده و می‌فرماید: «دل‌ها فقط به یاد خدا آرام می‌گیرد» (رعد/ 13). همچنین می‌فرماید: «نماز از فحشا و منکر بازمی‌دارد» (عنکبوت/ 45). این بیانگر آن است که عابدی که به یاد خدا باشد، فراموش نمی‌کند که همواره خدا می‌بیند و می‌شنود و از خودش به او نزدیکتر است. امام علی (ع) در مورد اهمیت ذکر و یاد خدا و نقش آن در تربیت انسان ذیل آیه «رجال لا تلهيهم تجارة و لا بيع عن ذكر الله» (نور/ 37) می‌فرماید: «خداوند سبحان، یاد خود را روشنی دل‌ها ساخت که به پرتو آن شنوا شوند، هر چند زان پیش ناشنوا بوده‌اند و بینا گردند، هر چند زان پیش نابینا بوده‌اند و آرامش یابند، هر چند زان پیش ستیزه‌جو بوده‌اند. همواره در پاره‌ای از زمان و در روزگاری که پیامبری نبوده، خداوند فراخ بخشایش و نعمت را بندگانی است، با آنها از راه فکرتشان - به الهام - راز گوید و از طریق عقول‌شان به هدایت و راهنمایی سخن گوید و آنان به نور بیداری که در گوش‌ها و چشم‌ها و دل‌هایشان می‌افکند چراغ هدایت را روشن می‌دارند، ایام الله را به یاد مردم می‌آورند و آنان را از عظمت و جلال خداوندی بیم می‌دهند. اینان همانند راهنمایی هستند در بیابان‌ها که هر که از راه میانه رود طریقه‌ش را بستایند و او را به رهایی مژده دهند و هر که به راه راست یا چپ رود طریقه‌ش را نکوهش کنند و از هلاکتش بر حذر دارند و در این حال، چونان چراغ‌هایی هستند که تاریکی‌ها را روشن می‌سازند و راهنمایی که دیگران را از گرفتار شدن در شبهه‌ها بازمی‌دارند (ابن ابی



الحدید، 1967م: 11/176، خطبه 217). امام (ع) در این عبارت تأثیر عجیب ذکر و یاد خدا را در دل‌ها بیان نموده تا آنجا که با وجود آن، قلب‌ها آماده دریافت الهام از خداوند متعال و گفتگو با او می‌شوند.

اهداف تربیت در اندیشه امام علی (ع)

اندیشه تربیتی آن حضرت (ع) در همه ابعاد آن حاکی از ژرفای اندیشه و وسعت بینش و دقت ایشان در امر تعلیم و تربیت است. از آنجایی که رویکرد تربیتی و اهداف بلندمدت آن بر رفتار فردی و اجتماعی بسیار تأثیرگذار و فرهنگ ملتی را شکل می‌دهد، در ادامه به مهم‌ترین این اهداف در منظومه فکری امام (ع) می‌پردازیم:

1. دعوت به عدالت در همه اشکال آن

یکی از اهدافی که در منشور تربیتی حضرت (ع) به وضوح می‌توان مورد اشاره قرار داد، گسترش عدالت در جامعه است. شکی نیست که عدالت یکی از ارکان اساسی زندگی بشر است و جامعه‌ای که عدالت بر آن حاکم نباشد و ظلم و بی‌عدالتی بر آن حکم فرما باشد، جامعه‌ای است که روحیه انسانیت در آن کمرنگ یا منعدم است. به همین دلیل بزرگ‌ترین وظیفه در رسالت انبیاء تلاش در تربیت جوامع بشری و نجات آنها از جهل و بی‌عدالتی و ظلم است. در واقع، هدف تربیت فردی و اجتماعی، اصلاح نسل بشر و برقراری قواعد و اصول عدالت در همه اجزاء و ارکان جامعه است. در حکمت 437 نهج البلاغه آمده است که از حضرت (ع) پرسیدند کدام یک از عدالت یا بخشندگی برترند؟ فرمود: عدالت، هر چیز را به جای خود می‌نهد و بخشندگی آن را از جای خود بیرون می‌نهد. عدل، نگاهدارنده همگان است و بخشندگی، تنها کسی را در بر می‌گیرد که بخشش نصیب او شده است. پس، عدالت از بخشندگی شریف‌تر و برتر است (ابن ابی‌الحدید، 1967م: خطبه 164). امام (ع) در این گفتار حکیمانه و پرمعنا به دو نکته اساسی اشاره فرموده است: نخست آنکه نتیجه عدالت این است که هر کسی در جامعه به حق خویش برسد و هر چیز در



جای خود باش. سپس اینکه امام (ع) می‌فرماید: عدالت امری است فراگیر که تمام جامعه انسانی می‌توانند از آن بهره‌مند گردند و در سایه آن به زندگی آبرومندانه ادامه دهند، در حالی که جود و بخشش فراگیر نیست و همیشه موضعی و محدود است و روشن است چیزی که آثار مثبت آن همه افراد جامعه را فرامی‌گیرد از چیزی که جنبه محدود دارد بهتر و اشرف و افضل است. این نکته نیز قابل توجه است که ممکن است جود و احسان در موارد خاص از عدالت برتر باشد؛ چنانکه قرآن در مورد قصاص می‌گوید: «فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ» (بقره / 178). در این آیه به روشنی، عفو و احسان، برتر از اجرای عدالت به وسیله قصاص شمرده شده است. همچنین درباره برخی از اختلافات خانوادگی و مهریه می‌فرماید: «وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» (بقره / 237) و نیز می‌فرماید: «وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ» (شوری / 40). در تمام این آیات عفو و احسان، برتر از عدالت شمرده شده، ولی اینها در محدوده‌های خاصی صورت می‌گیرند، در حالی که عدالت محدوده‌ای ندارد و تمام امور فردی و اجتماعی جامعه بشری را در بر می‌گیرد.

شاید مهمترین رکن عدالت در اندیشه تربیتی امیرالمؤمنین (ع)، حاکم عادل باشد. از این رو درمی‌یابیم که حضرت (ع) در صفات حاکم، عدالت را گنجانده است و از جمله عناصر تربیتی است که باید داشته باشد تا او را در انجام وظایف خود به بهترین شکل ممکن یاری نماید. حضرت (ع) در خطبه 131 نهج البلاغه در تبیین صفات و ویژگی‌های حاکم اسلامی می‌فرماید: «شما دانسته‌اید که سزاوار نیست کسی که بر ناموس‌ها و جان‌ها و غنیمت‌ها و احکام مسلمین ولایت دارد و پیشوایی مسلمانان بر عهده اوست، مردی بخیل و تنگ‌نظر باشد، تا در خوردن اموالشان حریص شود و نیز والی نباید نادان باشد تا مردم را با نادانی خود گمراه سازد و نباید ستمکار باشد تا وظیفه روزی آنان را ببرد و نباید از گردش ایام بترسد تا گروهی را همواره بر گروه دیگر برتری دهد، و نه کسی که در داوری رشوه می‌ستاند تا رشوه گیرنده



حقوق مردم را از میان برده و در بیان احکام و حدود الهی توقف نماید. و نه کسی که سنت را فرو می‌گذارد تا امت را به هلاکت اندازد (نهج البلاغه، خطبه 131).

2. رعایت تقوای الهی

تقوی در کلام و اندیشه تربیتی امام (ع) هدفی اساسی است، چنانکه بیشتر سخنان و خطبه‌های آن حضرت (ع) بر محور آن می‌چرخد و هیچ کتابی به غیر از قرآن کریم، به اندازه نهج البلاغه وجود ندارد که به تقوا پرداخته باشد. مفهوم تقوا در اندیشه تربیتی امیرالمؤمنین (ع) به معنای نیروی معنوی است که در اثر تمرین عملی در انسان ایجاد می‌شود. این حالت به روح نیرو و فعالیت می‌بخشد و از انحراف و سقوط و سر خوردن در پرتگاه محافظت می‌کند. امام (ع) تقوا را حالت روحی و اخلاقی می‌داند که از آثار آن خویشتن‌داری در بحران است و یکی از لازمه‌های پیروی از هوس و ترک تقوا، ضعف نفس در مقابل هوا و هوس و نفسان آن است.

آن حضرت (ع) هنگامی که در مدینه با او بیعت کردند در خطبه‌ای فرمود: «آنچه می‌گویم بر عهده من است و من خود ضامن آن هستم. آن کس که حوادث عبرت‌آموز روزگار را به چشم ببیند و از آن پند پذیرد، پرهیزگاریش او را از آلوده شدن به کارهای شبهه‌ناک باز می‌دارد، بدانید که بار دیگر همانند روزگاری که خداوند، پیامبرتان را مبعوث داشت، در معرض آزمایش واقع شده‌اید. سوگند به کسی که محمد (ص) را به حق فرستاده است، در غربال آزمایش، به هم درآمیخته و غربال می‌شوید تا صالح از فاسد جدا گردد یا همانند دانه‌هایی که در دیگ می‌ریزند، تا چون به جوش آید، زیر و زبر شوند. پس، پست‌ترین شما بالاترین شما شود و بالاترین‌تان، پست‌ترین‌تان. واپس ماندگانتان پیش افتند و پیشی گرفتگانتان واپس رانده شوند. به خدا سوگند، که هیچ سخنی را پنهان نداشته‌ام و دروغ نگفته‌ام که من از چنین مقامی و چنین روزی آگاه شده بودم (ابن ابی الحدید، 1967م: 18/ خطبه 16).



3. انتقال میراث فرهنگی

تحلیل معنای جامعه و فرهنگ و رابطه شخص با آنها اهمیت فرآیند اجتماعی را به ما نشان می‌دهد که از طریق آن آداب عمومی، ارزش‌ها، معانی و الگوهای فرهنگی به نسل‌های متوالی منتقل می‌شود. امام علی (ع) درباره انتقال فرهنگ‌ها، آداب و سنن و میراث فرهنگی به نسل‌های بعدی بسیار تأکید داشته و خطاب به فرزندش امام حسن (ع) می‌فرماید: «ای فرزند، گرچه من به اندازه پیشینیان عمر نکرده‌ام، ولی در کارهایشان نگرسته‌ام و در سرگذشتشان اندیشیده‌ام و در آثارشان سیر کرده‌ام، تا آنجا که گویی خود یکی از آنان شده‌ام و به پایمردی آنچه از آنان به من رسیده، چنان است که پنداری از آغاز تا انجام با آنان زیسته‌ام و دریافته‌ام که در کارها آنچه صافی و عاری از شایبه است کدام است و آنچه کدر و شایبه‌آمیز است، کدام. چه کاری سودمند است و چه کاری زیان‌آور. پس برای تو از هر عمل، پاکیزه‌تر آن را برگزیدم و جمیل و پسندیده‌اش را اختیار کردم و آنچه را که مجهول و سبب سرگردانی تو شود، به یک سو نهادم و چونان پدری شفیق که در کار فرزند خود می‌نگرد، در کار تو نگرستم و برای تو از ادب چیزها اندوختم که بیاموزی و به کار بندی. و تو هنوز در روزهای آغازین جوانی هستی و در عنفوان آن. هنوز نیتی پاک داری و نفسی دور از آلودگی» (الأدیب، 1967 م: 55-58).

4. تغییر و تحول انسان

منظور ما از تغییر، گذار از یک حالت خاص به حالت دیگر یا از یک سطح معین به سطح جدید دیگر است و تغییر معمولاً شامل زشتی‌ها و خوبی‌ها، پیشرفت‌ها و نقصان‌هاست. منظور ما در اینجا «تغییر به سوی بهتر شدن» است. تغییری که امام (ع) در اندیشه تربیتی خود در نظر گرفته، شامل تغییرات فردی و اجتماعی می‌شود:

1) تغییر فردی: تغییری که در تربیت در روان فرد ایجاد می‌شود و آغاز تحول بزرگی است که بر کل جامعه تأثیر می‌گذارد. از آنجایی که رهبری نقش مهمی در ایجاد تغییرات



مورد نیاز جامعه دارد، الگوبرداری از آن چیزی است که به سرعت این تغییر و بازداشتن نفس از هوی و هوس کمک می‌کند. امام (ع) علاوه بر آنکه خود در عمل چنین بود، در بسیاری از خطبه‌ها بر زهد و پیروی از سیره عملی پیامبر اسلام (ص) تأکید کرده و به آن توصیه نموده است؛ عمر بن عبد العزیز در وصف ایشان می‌گوید: «احدی در این امت بعد از پیامبر (ص) از علی بن ابی طالب زاهدتر نمی‌دانیم» (المظفر، 1412 ق: 2/345). بنابراین تغییر و تحول در راستای تسلط بر امیال و زهدورزی یکی از برترین اهداف تربیتی است.

2) تغییر اجتماعی: تربیت اجتماعی یکی از محورهای اصلی همه ادیان است. انسان موجودی است که در تعامل با جامعه و روابط و مناسبات اجتماعی رشد می‌کند و به همان نسبت که از نظر آثار وجودی خویش بر اجتماع تأثیر می‌گذارد، این آثار و خواص وجودی با تشکیل هویتی مستقل، یک موجودیت اجتماعی را پدید می‌آورند که به نحو مقتضی فرد را تحت تأثیر و تربیت خویش قرار می‌دهد. با توجه به چنین تعاملی است که حضرت علی (ع) به تأثیر تربیتی محیط اجتماع پرداخته و اهمیت و نقش آن را در سازندگی شخصیت فرد یادآور می‌شود.

5. کسب رضایت خداوند متعال

از دیگر اهداف تربیتی که امیرالمؤمنین (ع) در منشور تربیتی خود بر آن تأکید دارد، تلاش در راه کسب رضای خداوند متعال است؛ چراکه مرگ پیش روی اوست و حساب در انتظار اوست و اگر بار گناهانش سنگینی نکند، می‌تواند تندتر به مقام رضای الهی برسد؛ چنانکه قرآن کریم به صراحت به آن اشاره کرده و می‌فرماید: «وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (الأعراف / 8) و نیز می‌فرماید: «وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ» (الأعراف / 9). پس ترازوی اعمال خوب و بد است که زندگی جاودانه انسان را تعیین می‌کند. از عبارات متعدد آن حضرت (ع) در نهج البلاغه



درمی-یابیم که هدف از وجود انسان، تلاش بی‌وقفه برای رسیدن به هدف مطلوب است که همان دستیابی به رضای الهی و جاودانگی در بهشت و سعادت ابدی است.

6. انذار از افتادن در فتنه

امام علی (ع) در نهج البلاغه، ویژگی‌های جریان فتنه را به‌طور کامل معرفی نموده و مصونیت جامعه دینی از فتنه را در التزام حقیقی به اسلام ناب و اصول و ارزش‌های تربیتی، دوری از دنیاطلبی و هواپرستی، افزایش بصیرت، پایداری یاران و خواص جبهه حق در خط حق و یاری امام حق در مبارزه با فتنه معرفی می‌نماید. در فتنه حق و باطل در هم آمیخته می‌شود و به وضوح چهره باطل فتنه‌گر مشخص نیست. در این فضا است که فتنه‌گران می‌توانند به گمراهی انسان‌های بی‌بینش و کم‌بینش دست یابند و از میان آنان یارگیری کنند.

7. انذار از پیروی هوا و هوس و امید طولانی

امیرالمؤمنین (ع) خطاب به مسلمانان می‌فرماید: «ای مردم، آنچه بیش هر چیز دیگر از آن می‌ترسم که بدان گرفتار آید دو چیز است، از هوا و هوس پیروی کردن و آرزوهای دراز در دل پروردن. پیروی هوا و هوس از حق منحرف می‌کند و آرزوهای دراز، آخرت را از یاد می‌برد. بدانید که دنیا پشت کرده و شتابان می‌گذرد و از آن جز ته مانده‌ای چون ته مانده آبی در ته ظرفی، که آب آن ریخته باشند، باقی نمی‌ماند. بدانید که آخرت روی آورده و هر یک از آن دو را فرزندانی است. شما فرزندان آخرت باشید نه فرزندان دنیا. زیرا هر فردی در روز قیامت به پدرش می‌پیوندد. امروز روز عمل است نه حساب، و فردا، روز حساب است نه عمل (ابن ابی الحدید، 1967م: 440/2). هدفی که از این گفتار دنبال می‌شود، انذار از پیروی از هوی و هوس و کشیده شدن به امیال و آرزوهایی طولانی و عبث است که انسان را به هلاکت و زیان دنیا و آخرت می‌کشاند؛ زیرا در این صورت نفس آدمی خواسته‌هایی دارد که برخلاف خواسته‌های خداست؛ چنانکه در خصوص یوسف (ع) در قرآن آمده است: «وَمَا أُبْرِيْ نَفْسِيْ اِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوْءِ اِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّيْ اِنَّ رَبِّيْ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ»



(یوسف/53) پس چطور کسی که عصمت ندارد، باید با نفس مجاهدت کند و آن را رها نکند؟! این معنا در بیش از یک آیه از قول خداوند متعال آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَن تَعْدِلُوا وَإِن تَلَوْا أَوْ تُعْرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» (النساء/135) و نیز: «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ» (ص/26).

نتیجه گیری

با توجه به آنچه گذشت نتایج حاصل از بررسی اهداف و مبانی تربیتی در منظومه فکری امام علی (ع) به شرح ذیل می‌باشد:

1. امر تربیت در منظومه فکری امام (ع) از اهمیت بالایی برخوردار است و دارای عمق و جامعیت و کاربرد عملی و مبتنی بر مبانی و اهداف منطبق با فطرت الهی است.
2. رویکرد تربیتی امام علی (ع) و نگاهش به انسان، بر مبانی و اهداف بدیهی استوار است از جمله؛ همراهی علم با عمل، تفکر و تدبیر، ذکر و یاد خداوند.
3. با توجه به عبارات حضرت (ع) اهداف تربیتی نزد ایشان عبارتند از: دعوت به عدالت در همه اشکال آن، تقوای الهی، انتقال میراث فرهنگی، تغییر و تحول انسان، کسب رضایت خداوند متعال، انذار از افتادن در فتنه، انذار از پیروی از هوا و هوس و امید طولانی. از این طریق، مجموعه‌ای از اهداف و مبانی تربیت از منظر امام علی (ع) ارائه شده است.
4. تغییر و تکاملی که امام (ع) در اندیشه تربیتی خود در نظر گرفته است، هم در بعد فردی است و هم در بعد اجتماعی است.



فهرست منابع

1. قرآن کریم.
2. نهج البلاغه.
3. ابن ابی الحدید، عزالدین بن هبت الله بن محمد، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار احیاء الکتب العربی، 1967م.
4. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارالصدر، 1375ق.
5. ادیب، علی محمد حسین، منهج التریب عند الإمام علی، بیروت: دارالکتب العربی، 1967م.
6. حیدری، سید کمال، مناهج المعرفة عند الاسلامیین، قم: دار فرقاد للطباعة و النشر، 1426ق.
7. دهکردی، احسان روحی، «اصطلاح شناسی مبانی تفسیر»، پژوهش های قرآنی، دوره 20، ش 4، 1394.
8. راغب اصفهانی، ابوالقاسم الحسین بن محمد، المفردات فی الغریب القرآن، تحقیق محمد سید کیلانی، بیروت: دارالمعرفة، 1412ق.
9. صبحی، صالح، شرح نهج البلاغه، بیروت: دار الکتب اللبنانی، 2004م.
10. عمیدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی، غرر الحکم و درر الکلم، تصحیح سید مهدی رجایی، قم: دارالکتب الاسلامیه، 1410ق.
11. غزالی، ابوحامد، رساله أیها الولد، بیروت: دارالبشائر الطبعه الاسلامیه، 1431ق.
12. کامل، سلمان، تعلم و تربیت، تهران: نشر افق، 1386.
13. مظفر، محمد حسن، فضائل امیر المؤمنین و امامته، بیروت: دار احیاء التراث العربی، 1412ق.

